



## روش های درمانی به مثابه مناسک مذهبی در میانرودان باستان

مریم ناوی

کارشناس ارشد، گروه ادیان و عرفان، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران

### چکیده

درهم تنیدگی باورهای مذهبی با اعمال روزانه مردم در در دنیای کهن منجمله میانرودان باستان سبب گردیده رد پای خدایان گوناگون را بتوان در منابعی غیر از منابع مذهبی نیز جستجو نمود. به طور مثال شیوه های درمانی آن دوران و نیز لوحه های گلی با موضوعات پزشکی منابع بسیار ارزشمندی برای شناسایی گروه خدایان مختلف، مراسم، باورها و رفتارهای دینی باورمندان مذهبی می باشد. تحقیق و مطالعه در خصوص ادیان باستان به سبب مشکلات دسترسی به منابع دست اول از قبیل از بین رفتن آنها در طول قرون، عدم اکتشاف سایت های باستانی، رمز آلود بودن بسیاری از نمادها و مسایلی از این دست محققان رشته ادیان باستان را با دشواری های فراوانی مواجه نموده است. برای چیره شدن بر این نوع از مجهولات استفاده از مطالعات بین رشته ای و نیز بررسی منابعی که در ظاهر بی ارتباط با موضوع ادیان است گاه می تواند نتایج پرباری را برای پژوهشگر ادیان به ارمغان بیاورد. در این مقاله که با استناد به منابع کتابخانه ای تنظیم گردیده با بررسی متون پزشکی و نسخه های درمانی مربوط به آشور و بابل جلوه های رفتاری زایران معبد گولا یا الهه درمان ردیابی و نیز با تحلیل شیوه های درمانی که عموماً با نظارت آسوها و آشیوها که به نوعی طیب-روحانی محسوب می شدند مناسک مذهبی معمول آن دوران شناسایی گردید.

**واژگان کلیدی:** ادیان باستان، درمان باستان، مناسک مذهبی، روش های درمانی



## مناسک مذهبی یا شیوه های درمانی

در دنیای باستان اعتقادات و باورمندی های مذهبی انسان ها چنان در تمامی امورات روزانه فرد تسری داشت که تمایز بین رفتار معمول و روزمره با آداب و آیین های مذهبی بسیار دشوار بود. شیوه های جنگ، امورات کشورداری، راهکارهای اقتصادی و حتی روش های درمانی بیماران درهم تنیدگی فراوانی با باورهای دینی افراد داشت به نوعی که گاه تمایز نمودن آیین مذهبی و شناسایی آن به عنوان یک رفتار صرفا دینی بسیار دشوار است. بیماری ها در دنیای باستان که هنوز ابزار پیشرفته برای تشخیص و درمان ناخوشی ها اختراع نگردیده بود بر مبنای پدیده های منسوب به خدایان و اهریمنان ارزیابی می گردید و معمولا علت العلل هر بیماری ریشه در گناه یا سرپیچی داشت که فرد نسبت به خدا یا خدایان مخصوصی ابراز داشته بود و در نتیجه اولین قدم در درمان بیماری جلب رضایت و خشنودی خدایان بود که برای نیل به این هدف روش های درمانی بر انجام آیین ها و مناسک مذهبی استوار بود و گاه این درآمیختگی درمان و مذهب می تواند محققین این شاخه از پژوهش های دینی را با سردرگمی برای تمایز بین رفتار مذهبی با شیوه های درمانی مواجه نماید.

## بیماری در میانرودان

### مفهوم بیماری

اتیولوژی بیماری ها در فرهنگ میانرودانی با عنایت به شواهد مردم شناسی عمدتا پاسخ به این سوال بود که: "تو مریض شدی زیرا به خاطر کاری که انجام دادی یک نفری از دست تو ناراحت شده!" و سپس مهمترین سوال این بود: "چه کسی مسوول ایجاد بیماری بوده؟ چه کسی از دست من عصبانی بوده؟" و سوال بعدی: "من در قبال این عصبانیت چه کاری می توانم انجام بدهم؟" اعتقاد به بروز بیماری به علت مجازات خدایان، عمده ترین فلسفه به وجود آمدن بیماری بود (Sigerist, 1933) و درک علت به وجود آورنده آن از سوی بیمار همیشه به گونه ای نبود که کاملا شفاف بوده باشد و بیمار به راحتی بتواند علت به وجود آمدن بیماری خویش را تشخیص دهد. گاهی نیروهای خدایی یا اهریمنان به طور خودسرانه و بدون هیچگونه دلیل واضحی باعث ابتلای بیمار به بیماری می شدند. (Avalos, 2019)

شناسایی خدایی که سبب بیماری در فرد گردیده امر بسیار مهمی بود زیرا تنها از این راه است که بیمار می تواند درمان خود را شناخته و بهبود یابد. در طب مذهبی میانرودان (Medical Theology) اولین رمز کار، شناسایی فرستنده (senders) یا کنترل کننده (controllers) بیماری بود. این امر به گونه ای مهم بود که سوای از نقش خدایان شفا دهنده، بهبودی نهایی در شناسایی این عوامل خلاصه می شد. (Avalos, 2019) از آنجایی که اعتقاد بر این بود که بسیاری از بیماری ها ریشه در گناهان فرد داشته معمولا افراد دارای بیمارهای مزمن یا صعب العلاج از جامعه رانده شده و برای تمام عمر در خانه به سر برده و یا بیماریهایی از قبیل جذام که سبب بروز بدشکلی در اندام و ظاهر فرد می گردید تنبیهی بسیار شدید از جانب خدایان در نظر گرفته می شد. (Avalos, 2019)



با بررسی علل به وجود آورنده بیماری ها متوجه این نکته می شویم از آنجایی که امراض ریشه در باورهای مذهبی داشتند تخطی از بعضی اصول مذهبی مانند سرپیچی از فرامین خدایان بومی و محلی بیماری را در فرد ایجاد می نمود تا

بدانجا که بیمار اولین سوالی که از افراد دخیل در امر درمان می پرسد اینگونه است: "چه کسی مرا بیمار کرده است؟" تشخیص هر چه سریع تر خدایی که به دلیل کم توجهی و کم کاری بیمار در انجام وظایفش نسبت به بیمار غضبناک شده می توانست به روند درمان سرعت بخشیده و وی با جبران بی توجهی خود از شر عوارض و ابتلائات گوناگون بیماری رها شود.

### علل به وجود آورنده بیماری

در میانرودان باور بوجود آمدن بیماری ناشی از علل مختلفی بود که اهم آنها عبارت بودند از:

(Biggs et al, 1995)

- تنبیه از جانب خدایان
- جادوگری
- ارواح شریر
- اهریمن
- شکستن تابوهای مذهبی

در مواقعی که بنا به هر دلیل خدای بیمار کننده قابل شناسایی نیست، استراتژی که برای پروسه درمان در نظر گرفته می شد عبادت به پیشگاه همه خدایانی است که ظن به دخیل بودن در امر بیماری ها را دارند. راه کار دیگر برشمردن تمامی گناهانی است که احتمال داده می شد سبب به وجود آمدن چنین بیماری گردیده است. در مواردی دیده شده در مناجات اینگونه بیماران حتی به گناهان اعضای خانواده نیز اشاره گردیده است. در مناجاتی که از سوی یک عبادت کننده به درگاه خدایان در متون ادبی آمده است وی حین برشمردن بیماری های خود اینگونه مناجات می کند: "آه ای خدای آآ، شمش، و مردوک بی شرمی های من چه بوده است؟" (Avalos, 2019)

التجا به خدایان میانجی برای کشف علت اصلی بیماری از جمله روش هایی است که گاه در امر درمان بیماری های سخت و پیچیده مانند مالاریا صورت می گرفت. از جمله اینگونه خدایان منجی ذکر شده در متون مختلف طب باستان می توان از الهه گولا یا الهه درمان نام برد. (Avalos, 2019)

### کارکنان سیستم درمانی

در میانرودان پزشکان افراد روحانی بودند که کاملا شخصیت مذهبی داشتند، در ضمن آنکه در آن روزگار همه علوم بخشی از الهیات محسوب می شد. (Sigerist, 1933) درمان عموماً بر مبنای جادو بود و تصاویر به دست آمده از سنگ



نگاره ها پزشک - روحانی را با ردای بلند قرمز رنگ که کلاهی در یک دست و شاهینی در دست دیگر دارد و بر بالای بالین بیمار در حال خواندن کلمات جادو می باشد تصویرسازی نموده است. (Sigerist, 1933)

بیشتر افراد دخیل در امر درمان پیشینه ای از روحانیت را دارا می باشند. (Emmy, 2018) کادر درمانی که در آن دوران امر طبابت، پرستاری و درمان بیماران را بر عهده داشتند (Retief and Cilliers, 2007) شامل بود بر:

- آسو یا دارو- درمانگر
- آشیو یا جادو-درمانگر
- Baru یا پیشگو
- Gallabu یا دلاک های امروزی

در مورد ریشه لغت آسو asu که سومری بوده و از آکدی وام گرفته شده اعتقاد بر اینست که A به معنی آب و ZU به معنی دانستن و مفهوم کلمه یعنی: "آسو، طبیعی که در مورد استفاده از مایعات اطلاعات کافی دارد." (Biggs et al, 1995) بیشترین تعریف پذیرفته شده برای آسو به معنی فردی که از داروهای گیاهی و روش های جراحی برای کمک به بیماران استفاده می کند.

آشیو با بیماری هایی با منشا ماورایی درگیر است. ناخوشی هایی که علت به وجود آورنده آنها خدایان، جادوگران، ارواح شریر و مخصوصا اهریمنان هستند. آشیو آیین های جادوی مذهبی را انجام می دهد و در مقایسه با آسو رتبه بالایی در جامعه داشته زیرا وی جزوی از افراد معبد است. (Emmy, 2018)

اختلاف بر سر تشخیص و جداسازی این دو حرفه بسیار جای مناقشه بوده بعضی منابع آشیو را جادوگری می دانند و آسو را پزشک. اسکورلوک آسو را داروساز و آشیو را تشخیص دهنده می داند و فقط آشیو را واجد جادو و آیین های مرتبط با آن می داند. Avalos آسو را ترکیبی از داروساز و پرستار به معنای امروزی می داند. (Emmy, 2018) Geller بر تفاوت بین آسو و آشیو تاکید دارد. آسو با امورات درمانی سر و کار دارد که ربطی به جنبه های مذهبی یا جادویی درمان ندارد. او آشیو را به عنوان روحانی در نظر می گیرد که در هنر جادو تبحر دارد اما وی با جنبه علمی طب سر و کار ندارد. از آنجایی که آسو کمتر در منابع هزاره اول ذکر شده اینگونه تلقی می شود که آسو بیشتر بر روی روش های عملی و تکنیکی تمرکز داشته است. چیزی که مشخص است این است که مرتبه اجتماعی آشیو بالاتر بوده که این احتمال را بوجود می آورد که احتمالاً آسو با معبد در ارتباط نبوده و فقط ارتباطی فردی با الهه گولا داشته است. (Emmy, 2018)

سایر افراد دخیل در امر درمان عبارت بودند از: bārû یا پیشگو این فرد توانایی این کار را داشت که بر مبنای محتویات بدن حیوانات طول مدت بیماری یا پیش آگهی آنرا پیشگویی نماید. gallābu یا آنچه که در قدیم با نام دلاک شناخته می شد، امورات جراحی را مخصوصا بر روی طبقه فرودست جامعه و بردگان انجام می داد مانند کشیدن دندان های پوسیده. این فرد به دلیل پایین بودن دستمزد کلیه امورات آسو را انجام می داد. (Emmy, 2018)



## متون درمانی

در قرن یازدهم قبل از میلاد توسط Esagil-Kin-Apli دانشمند بابلی متون تشخیصی بیماری ها (Diagnostic texts) در ۴۰ لوحه گلی با سه هزار مدخل سری بندی شد. در طب میانرودان این سری تبلت ها را با نام SA.GIG می شناسند و به معنای علائم یا Symptoms است (Finkel, 1988). در این متون اصطلاح " دست " وجود دارد که ممکن است مربوط به گروه خدایان از مهمترین آنها تا کم اهمیت ترین، اهریمن ها یا حتی ستارگان باشد. (Finkel and Geller, 2007) در متون تشخیصی شیوه های تشخیص بیماری ذکر شده است. (Biggs et al, 1995) در سری SA.GIG حتی اگر گاهی تضاد یا ابهاماتی وجود داشته باشد در واقع بخشی از فلوجارت شناسایی خدای مسوول مشخص گردیده به این معنا که چه عاملی بیماری را به سوی فرد می فرستد یا آگاهی کافی از پروگنوز بیماری دارد. در متون تشخیصی برای پیشگویی عاقبت بیماری یا Prognosis از اصلاحاتی مانند "او خواهد مرد یا او بهبود خواهد یافت" در کنار تشخیص یک سری علائم بیماری ذکر می شود. این تشخیص اغلب با عبارت "دست خدا" همراه است. (Finkel and Geller, 2007)

متون درمانی که انواع روش های درمان بیمار در آنها نام برده شده از دو نوع درمان نام می برند. (Avalos, 2019) :

- Medical (asûtu)
- Magical (āšipûtu)

## مناسک مذهبی درمان

آیین مرتبط با درمان شبانگاه بر بالای پشت بام ابتدا با جارو کردن و پاشیدن آب مقدس یا libation آغاز گردیده و سپس با خواندن ذکر به نام خدای مردوک ادامه می یابد. (Wee, 2014) ضمادهای مخصوص که توسط آشپو آماده گردیده به آتشدان خدای مردوک پیشکش می شود. در مرحله بعد آماده سازی گردن آویز مخصوص بیماری است. مواد سازنده گردنبند (مانند تصویر ۱) عبارتند از گچ، طلا، لاپیز لازولا، سنگ های مختلف و چوب mesu (Emmy, 2018) و نیز نوع و نحوه چینش سنگ ها، نوع و رنگ نخ به کار رفته همگی در متون درمانی به طور دقیق شرح داده شده و هر بیماری برای آماده سازی گردن آویز نسخه مخصوص به خود دارد. پس از آماده سازی آن، ذکرهای مخصوص به گردن آویز خوانده می شود.



تصویر ۱. گردن آویز مکشوفه از Tell Arpachiyah واقع در نینوای کنونی عراق نگهداری در موزه بریتانیا

بخور دادن یا fumigation از جمله امور شایع و مهم در پروسه درمان بیماران است. این بخوردان ها اغلب در معابد قرار داشتند یا در اتاق بیمار برای تطهیر به کار می رفتند. این که آیا کاربرد این بخوردان تنها برای آیین های مذهبی بوده یا بخشی از درمان محسوب می شده مورد ابهام است. بر طبق کتب درمانی دوران آشور برای درمان بیماری هایی از قبیل تب یا صرع باید استفاده می شدند. در مهرهای بدست آمده از میانرودان تصاویری از بخوردان بر بالای سر بیمار و نیز نماد سگ بر بالای چادر بیمار نماد الهه درمان یا گولا می باشد (Emmy, 2018).

به عنوان نمونه در خصوص مناسک مذهبی درمان می توان به متن درمانی 312, 332, BAM231 یافت شده در آشور اشاره کرد که پس از برشمردن کلیه علایم بالینی بیمار آیین مذهبی Marduk Ritual که به عنوان درمان و در واقع ختنی کردن جادو ذکر شده است را انجام می دهد. علایم بالینی بیمار عبارتند از: سرگیجه، بی حسی در اندام ها، کندی ضربان قلب، افت دمای بدن، درد در ناحیه قفسه سینه، تعریق، ضعف فراوان. آیین درمانی که برای این بیماری عنوان شده عبارتست از:

پیشکش قربانی های مخصوص برای خدای مردوک و قربانی سوختنی برای سایر خدایان بر طبق نسخه موجود در متن درمانی، آماده کردن آب مقدس در کوزه مخصوص، برگزاری عبادت در پیشگاه مردوک و خواندن اذکار مخصوص سه بار در روز، خارج کردن لباس بیمار و شستشو با آب مقدس، سوزاندن پیکرک های مخصوصی که نحوه ساخت و اجزای تشکیل دهنده آنها در متن نسخه درمانی به تفصیل ذکر شده در برابر خورشید که با این کار نیروهای اهریمنی به سمت دنیای زیرین یا مردگان منتقل می گردند. (Abusch and Schwemer, 2010)

در نمونه دیگری از آیین مذهبی درمان که در لوحه های گلی دوران آشور جدید که از کتابخانه ای در نینوا کشف گردیده نوعی از مناسک درمان برای بهبود مردانی که از ناتوانی جنسی رنج می برند به تفصیل شرح داده شده است. در این نسخه درمانی بیمار باید ابتدا تعدادی گیاه درمانی را با هم ترکیب نموده سپس عودسوزی را در پیشگاه الهه ایشثار



روشن نموده، ساغر پاشی نموده و اذکاری که در نسخه قید شده را هفت مرتبه در آنجا قرائت نماید. واگر سه روز پشت سر هم این اعمال را تکرار نماید در روز چهارم بهبود خواهد یافت. (Abusch et al, 2019)

در نمونه دیگری از مناسک درمانی می توان از آیین Nēpešu نام برد. این روش برای درمان زنانی به کار گرفته می شود که سابقه به دنیا آوردن نوزاد مرده داشته اند. این لوحه درمانی که توسط Anu-ikšur در شهر اور نگاشته شده کارهای مختلفی مانند تراشیدن سر، غسل کردن در رودخانه (Nowicki, 2009)، استفاده از گردنبندهای درمانی مخصوص که مادر باید تمام این کارها را در زمان های مخصوص انجام دهد به تفصیل شرح می دهد و پس از آن از چگونگی حضور در پیشگاه خدایان شمش و Ea برای تکمیل مراحل درمان نام می برد. اینگونه مراسم مذهبی درمان شامل بخش های مختلفی است که بیمار برای حصول نتیجه ملزم به انجام بخش به بخش آنها می باشد. با دقت و بررسی اینگونه مناسک به خوبی در هم پیچیدگی امورات درمانی و مذهبی مشخص می گردد زیرا از آغاز تا انتهای پروسه درمان استفاده از گیاهان دارویی، گردنبندهایی که سنگ های مخصوص باید بر روی رشته ای نخ که حتی رنگ آن ذکر شده و در درمان های گوناگون رنگ های متفاوت دارد استفاده نماید، تغسیل، تطهیر، پیشکش قربانی حیوان و قربانی سوختنی و نیایش به درگاه خدایانی که هر کدام برای بیماری خاصی باید ستایش شوند همگی بیان شده است. (Abusch et al, 2019)

### الهه درمان گولا

الهه گولا دختر خدای An به عنوان الهه درمان شناخته می شود. الهه گولا بانوی شهر ایسین می باشد. در سرودهایی که برای این الهه سروده شده از وی به عنوان بزرگترین پزشک، زنده کننده مردگان، زندگی بخش و حامل زندگی نام برده شده است. وی در یک دست چاقو و در دست دیگر بانداژی را نگه می دارد و همراه همیشگی وی سگی می باشد. شاید یکی از دلایل همراهی سگ خاصیت درمانی بزاق وی است. (Emmy, 2018) در بعضی از مراسمات درمانی، آشپو باید پیکرکی از بیمار ساخته و مراسمات متعددی را برای درخواست سلامت از الهه گولا بر روی آن انجام دهد. در بعضی منابع از ساخت پیکرک سگ که نماد حیوانی الهه گولاست نیز یاد شده است. (Emmy, 2018) التجای به قدرت شفا دهندگی الهه گولا تنها محدود به حضور در معبد نبود بلکه بسیاری از مناسک درمان بیمار در خانه بر روی پشت بام و در شب زیر نور صورت فلکی الهه گولا (صورت فلکی بربط) یا در زیر چادرهای حصیری Reed Hunt (مانند تصویر ۲) انجام می شد. (Radner and Robson, 2011) الهه گولا به عنوان پزشکی یاد شده که شفا می دهد و از گیاهان دارویی برای دور کردن بیماری ها استفاده می کند و کیف چرمی دارد که حاوی طلسم های سلامت بخشی است. (Emmy, 2018) اسامی که برای خدای گولا نوشته شده عبارتند از: Gula, Ninisina, Ninkarrak, Bau, Nintinugga



در شعری که در خصوص گرامیداشت گولا سروده شده از وظایف الهه گولا اینگونه قید شده که چاقویش را تیز می کند و از آن برای درمان بیماری Maskadu استفاده می نماید. زادگاه اولیه الهه گولا نامشخص است اما اولین شواهد از وجود این الهه در جنوب بابل شناسایی گردیده و احتمالاً معبد وی در ایسین جزو معابد اولیه بوده. مشخص است که در ۲۵۰۰ قبل از میلاد گولا تنها الهه مرتبط در امر درمان در ناحیه میانرودان نبوده اما تعداد این خدایان شفادهنده محدود است. (Avalos, 2019)



۲. مناسک درمان در زیر چادر حصیری اثر مهر استوانه ای دوره آشور جدید نگهداری در موزه متروپولیتن

### معابد الهه گولا با کارکرد بیمارستان

بر طبق یافته های باستان شناسی از معابد الهه گولا در نیپور و ایسین نتایجی استنتاج شد که ظن بیمارستان بودن و محلی برای پذیرش بیمار را در بین محققان باستان شناس تقویت نمود. (Avalos, 2019) این دلایل عبارتند از:

- محلی برای ذخیره و تصفیه آب که احتمالاً برای شستشوی بیماران و آیین های مرتبط مورد استفاده قرار می گرفته است. چنین محلی برای ذخیره و تصفیه آب در هیچکدام از معابد همدوره یافت نگردیده است.
- طلسم های لمشتو که برای محافظت زنان باردار و زایمان کرده مورد استفاده است در اتاق های خصوصی در بافت اصلی معبد به وفور یافت گردیده که شاید این اتاق ها برای نگهداری از زنان باردار و زایمان کرده در نظر گرفته می شده است.
- یافته شدن تعداد فراوانی کوزه های سفالی که بقایایی از گیاهان دارویی بر روی بدنه آنها یافت گردید و این احتمال وجود دارد که این گیاهان دارویی توسط پزشکان مورد استفاده بوده است.





در بعضی از متون یافت شده از معبد الهه گولا به اسم محلی برای آرامش یا استراحت نام برده شده است. (Emmy, 2018) معابد علاوه بر کارکرد مذهبی این قابلیت را دارا بودند که به عنوان بخشی از حلقه های متعدد درمان از قبیل جراحی، جادو، نقاوت، اجرای بعضی از مناسک و انجام مستقیم بعضی از امورات درمان به کار گرفته شوند. (Avalos, 2019) در زمانی که علت بیماری به راحتی شناسایی نمی گردد اولین قدم مراجعه به معبد گولا بود زیرا اعتقاد بر این بود که معابد مکان هایی ویژه برای شناسایی گناهمانی بود که سبب بروز بیماری گردیده اند اما فرد بیمار نمی داند آن گناه چیست. (Avalos, 2019)

در بررسی معماری معبد گولا در شهر ایسین و مقایسه آن با معماری سایر معابد اتاق هایی در این معبد یافت شد که با آنالیز پیکرک های سگ که برای سپاس گذاری به درگاه الهه گولا پیشکش می شد و بعضی از بقایای موجود ظن به محلی برای بستری بیماران و درمان برای مدت زمان کوتاه آن را تقویت نمود. (Avalos, 2019) ارتباط پیکرک های سگ با معابد گولا اثبات شده و حتی تئوری هایی وجود دارد که این ابزار به نوعی جبران تنبیه خدایان در نظر گرفته می شد و گاه در ورودی خانه ها به عنوان محافظ در برابر نیروهای اهریمنی به شکل مجسمه به عنوان تزیینات به کار می رفت. اثبات شده که این پیکرک ها جزو اصلی از مراسم درمانی معابد گولا بودند. (Avalos, 2019) وجود پیکرک های زایران زانو زده یا قسمت های مختلف از اعضای بدن نیز از جمله پیشکش های شایع و فراوان در این معابد می باشند. (Avalos, 2019)

مدارک معتبری موجود است که نشان می دهد معابد گولا مراکز معتبری برای مشاوره درمان، کتابخانه و محلی برای آموزش درمان های تخصصی بوده. (Avalos, 2019) همچنین بر اساس ارزیابی نامه های موجود در معابد گولا شغل های دیگری مرتبط با امر درمان مانند پرورش دهنده گیاهان دارویی، آماده سازی آنها برای مصارف پزشکی در محوطه معابد و لوازم پزشکی قید گردیده است. (Avalos, 2019)

ارتباط کارکنان درمانی با الهه گولا هنگامی آشکار گردید که در طی بررسی نامه های مازوده از معابد معمولا در معابد گولا که بیشتر نامه ها از طرف آسوها ارسال می گردد ابتدای نامه با تحیت به الهه گولا آغاز می گردید در صورتی که نامه هایی که از جانب آشیپوها نوشته می شد برای تحیت و شروع نامه از اسامی خدایانی مانند آ، مردوک، آسالوئی و نبو استفاده می گردید. این نکات شاید به نوعی بیانگر حامی آسوها بودن از طرف گولا می باشد (Avalos, 2019) آنچه آشکار است اینست که معابد گولا به عنوان محلی برای بستری و درمان طولانی مدت بیماران نبوده بلکه پروسه درمان در ابتدا در خانه با انجام آیین های مخصوص سپس در کنار رودخانه و بعد از آن در مراکز غیر معبد صورت می گرفته است. (Avalos, 2019)



## بحث و نتیجه گیری

شناسایی گروه خدایان دخیل در امورات مذهبی فقط از راه مطالعه معابد و متون دینی مسیر نخواهد نشد زیرا بسیاری از این مراکز در طی نبردهای گوناگون با خاک یکسان شده و یا در طی اعصار و قرون جایگزین خدایان محلی جدیدتر یا ادیان پیشرفته تر گردیده اند. زندگی روزمره مردمان میانرودان باستان در دو تا سه هزار سال قبل از میلاد چنان در آمیخته با عقاید و باورهای مذهبی بود که رد پای این تفکرات مذهبی را می توان در همه امورات از قبیل اقتصاد، کشاورزی، زمامداری، پزشکی و هنر به خوبی مشاهده نمود. شیوه های درمانی که اختصاصا توسط روحانی - درمانگران اجرا می شد گاه بیشتر به یک مناسک مذهبی شبیه بود تا راه و روشی برای بهبود بیماران. بیمار قبل از آنکه انسان دردمندی باشد که باید به دنبال علت ناخوشی و دارو و درمان باشد زایل دلشکسته ای بود که با التجا به درگاه خدایان به دنبال خطایی می گشت که به سبب بروز آن، ذات الهی خدایی را مکدر نموده و این بیماری ناشی از خشم آن خدا بود در نتیجه هر رفتار مذهبی که می توانست نارضایتی خدای مسبب بیماری را برطرف نماید به نوعی درمان بیماری نیز محسوب می گردید که البته در کنار آن از گیاهان دارویی که معمولا در باغ معبد پرورش یافته و به نوعی تقدیس یافته بودند، نیز استفاده می جست. سنگ های درمانی و طلسم ها هر چند علی الظاهر ربطی به عقاید مذهبی نداشتند اما با نقش بستن نمادهایی که مرتبط با قدرت خدایان بود قدرت شفا پیدا می کردند و پس از آن وارد پروسه درمان بیمار می شدند. این در هم آمیختگی باورهای مذهبی در امر درمان بیماران چنان فراوان بود که گاه نمی توان تمایزی برای جدا ساختن مناسک مذهبی از شیوه های درمانی قایل بود و گاه می توان از بررسی نسخه های پزشکی اعتقادات و باورهای دینی را به خوبی استنتاج نمود.

مطالعه در خصوص ادیان باستان بنا به دلایل گوناگون، پژوهشگر ادیان باستان را با مشکلات عدیده ای مواجه می نماید:

- قلت منابع موجود
  - نبود متون نوشتاری
  - تفسیر تصاویر شماتیک حک شده بر روی سنگ نگاره ها و یا نقاشی سفال ها
  - دریافت معنای مورد نظر از طریق نمادها ( که گاه منجر به تفسیر به رای پژوهشگر می شود)
- اینها عواملی هستند که پژوهشگر باید از طریق آنها به کنه معنا و مفهوم تفکرات و ایدئولوژی مردمان آن دوران دست پیدا کند و در نتیجه احتمال خطای در تفسیر و نتیجه گیری به شدت بروز می نماید. پژوهشگر متعهد، می تواند برای جبران این خطای غیر عمد، ساز و کار هوشمندانه تری را اتخاذ نماید تا از آن طریق به نتایج دقیق و مستدل تری راه پیدا کند. این روش ها عبارتند از:

- افزایش دامنه مطالعات خویش در چند گستره متنوع (ادیان، پزشکی، اقتصاد و ...)
- تطبیق داده ها از طریق مقابله متون متنوع در فیله های گوناگون مطالعاتی
- گسترش مطالعات بین رشته ای و همکاری پژوهشگران رشته های مختلف با یکدیگر



- بررسی موضوعات به صورت چند وجهی برای شفاف تر شدن نقاط مجهول و کور تحقیقات

## منابع

- Abusch, T. *et al.* (2019) *Corpus of Mesopotamian Anti-Witchcraft Rituals: Volume Three*. Brill.
- Abusch, T. and Schwemer, D. (2010) *Corpus of Mesopotamian anti-witchcraft rituals*. Boston: Brill (Ancient Magic and Divination).
- Avalos, H. (2019) *Illness and health care in the ancient Near East: The role of the temple in Greece, Mesopotamia, and Israel*. Brill.
- Biggs, R. D., Sasson, J. M. and Baines, J. (1995) 'Medicine, surgery, and public health in ancient Mesopotamia', *Civilizations of the ancient Near East. Vol. 3*, 3, pp. 1911–1924.
- Emmy, V. L. (2018) *Mesopotamian Medicine in Practice: when Archaeology meets Philology* No Title. Ghent University.
- Finkel, I. L. (1988) 'Adad-apla-iddina, Esagil-kīn-apli, and the Series SA. GIG', *A scientific humanist: studies in memory of Abraham Sachs*. The University of Pennsylvania Museum Philadelphia, pp. 143–159.
- Finkel, I. L. and Geller, M. J. (2007) *Disease in Babylonia*. Brill.
- Nowicki, S. (2009) 'Acquiring Of The Ritual Purity By Mechanical And Magical Means In The Ancient Near Eastern Rituals', *The Ancient Near East Studies*.
- Radner, K. and Robson, E. (2011) *The Oxford handbook of cuneiform culture*. Oxford University Press.
- Retief, F. P. and Cilliers, L. (2007) 'Mesopotamian medicine', *South African Medical Journal*, 97(1), pp. 27–29.
- Sigerist, H. E. (1933) 'The Physician's Profession Through The Ages', *Bulletin Of The New York Academy Of Medicine*, 9(12), pp. 661–676.
- Wee, J. Z. (2014) 'Lugalbanda Under the Night Sky: Scenes of Celestial Healing in Ancient Mesopotamia', *Journal of Near Eastern Studies*. University of Chicago Press Chicago, IL, 73(1), pp. 23–42.